

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پشاور  
تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد در

عنوان:

# روابط شیعیان با دستگاہ خلافت عباسی از زمان الناصر لدین الله تا پایان خلافت عباسی

استاد (اساتید) راهنما:

آقای دکتر عباسعلی آذر نیوشه

استاد مشاور:

آقای دکتر عباس سرافرازی

تحقیق و نگارش:

آقای نادر اکبری مطلق

۱۳۸۶/۱۰/۲۶

۱۳۸۷ / ۳ / ۷

۱۰۵۲۸۰

## بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان روابط شیعیان با دستگاه خلافت عباسی از زمان الناصرالدین الله تا پایان خلافت عباسی قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی توسط دانشجو نادر اکبری مطلق تحت راهنمایی استاد پایان نامه دکتر عباسعلی آذرنیوشه تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

نادر اکبری مطلق

این پایان نامه ... واحد درسی شناخته می شود و در تاریخ ... توسط هیئت داوران بررسی و درجه ... آن تعلق گرفت.

تاریخ	امضاء	نام و نام خانوادگی	
		دکتر عباسعلی آذرنیوشه	استاد راهنما:
		دکتر عباس سرافرازی	استاد مشاور:
		دکتر عبدالرسول خیراندیش	داور ۱:
		دکتر مسعود مرادی	داور ۲:
		دکتر گیتی هوسینی پور	نماینده تحصیلات تکمیلی:

## تعهد نامه اصالت اثر

اینجانب نادراکبری مطلق تایید می کنم که مطالب مندرج در این پایان نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان نامه پیش از برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: نادراکبری مطلق  
امضاء

## تقدیر و تشکر

با تشکر از آقای **دکتر عباسعلی آذر نیوشه** ، استاد راهنمای اینجانب به خاطر راهنمایی و ارشادهای سازنده شان که همواره مراد طول تهیه این رساله یاری نمود.

و همچنین با سپاس از آقای **دکتر عباس سرافرازی** مدیر محترم گروه تاریخ و استاد مشاور بنده که همواره اینجانب را یار و پشتیبانی مهربان بودند و با تشکر از دیگر عزیزانی که بنده رادر تهیه این رساله یاری نموده اند .

## تقدیم به :

همسر مهربانم که در تمام مراحل این تحقیق یار و  
پشتیبان اینجانب بوده است

## فهرست مطالب

۱	چکیده به زبان فارسی
۳	مقدمه
۵	معرفی و بررسی منابع
بخش اول: زمینه پیدایش تشیع دوازده امامی	
۱۲	فصل اول: مفهوم شیعه و شناخت شیعیان
۱۵	فصل دوم: وضعیت شیعیان و نهضت های شیعی در دوران اموی
۱۷	فصل سوم: شناخت جنبش های شیعی در دوران عباسیان
بخش دوم: گسترش تشیع	
۲۲	فصل اول: اقدامات آل بویه در زمینه گسترش تشیع
۲۵	فصل دوم: روابط شیعیان با ناصر خلیفه عباسی
۲۸	فصل سوم: نوع برخورد و رفتار خلفای عباسی با شیعیان
۳۱	فصل چهارم: وضع بغداد پیش از حمله مغول
بخش سوم: شیعیان در سالهای پایانی خلافت عباسی	
۳۶	فصل اول: نقش تشیع در براندازی دستگاه خلافت عباسی
۴۰	فصل دوم: نقش خواجه نصیرالدین طوسی در حمله هولاکوبه بغداد
۴۶	فصل سوم: نقش ابن العلقی در از بین بردن دستگاه خلافت عباسی
بخش چهارم: تشیع پس از سقوط بغداد	
۵۳	فصل اول: وضع شیعیان بعد از نابودی دستگاه خلافت عباسی
۵۴	فصل دوم: دلایل و عوامل گرایش ایلخانان ایران به تشیع
۵۷	فصل سوم: جنبش ها و دولت های شیعی قبل از تشکیل سلسله صفویه
۵۸	نتیجه گیری
۶۰	فهرست و منابع و ماخذ
۶۴	ضمائم
۷۱	چکیده به زبان انگلیسی

## چکیده

موضوع رساله حاضر روابط شیعیان بادستگاه خلافت عباسی ازدوره الناصرالدین الله تا پایان حکومت عباسی است. لذا کوشش به عمل آمده تا به سوالات زیر تا حد امکان پاسخ دهد.

مفهوم شیعه چیست و مکتب تشیع از چه زمانی و چگونه شکل گرفت؟ شیعیان در دوران اموی چه وضعی داشتند؟ چه جنبش هایی در دوره عباسیان توسط شیعیان صورت گرفت؟ آل بویه در زمینه گسترش تشیع چه اقداماتی انجام دادند؟ نوع رفتار و برخورد خلفای عباسی با شیعیان چگونه بود؟ رابطه ناصر خلیفه عباسی با شیعیان به چه صورت بود؟ بغداد پیش از حمله مغول چه وضعی داشت؟ روابط شیعیان با مغولان چگونه بوده است؟ آیا علمای بزرگی چون خواجه نصیرالدین طوسی و ابن علقمی در سقوط بغداد نقش داشته اند؟ وضع شیعیان بعد از سقوط دستگاه خلافت چگونه بوده است؟

در این تحقیق تلاش شده مشخص شود روابط شیعیان با دستگاه خلافت عباسی از فراز و نشیب های فراوان برخوردار بوده است. بر اساس منابع تاریخی شکل گیری شیعه امامیه از دوران سقیفه بنی ساعده آغاز شد. عده ای که حاضر به بیعت با ابوبکر نشدند و گرد حضرت علی (ع) را گرفتند به شیعه علوی معروف شدند.

جایگاه و مرکز تشیع کوفه بود و این بدان علت بود که مرکز حکومت حضرت علی (ع) کوفه انتخاب شد. پس از واقعه کربلا صفوف شیعیان متحد شد و قیام هایی چون قیام توابین و قیام مختار صورت گرفت.

به طور کلی شیعیان در تمام دوران اموی مورد شکنجه و آزار قرار داشتند و حتی به حضرت علی (ع) ناسزا و دشنام میدادند. فقط در دوران عمر بن عبدالعزیز شیعیان تا حدودی در آسایش و رفاه بسر بردند. عباسیان با حيله و نیرنگ خلافت را قبضه کردند، در صورتی که خلافت از آن علویان بود. از این رو نیز شیعیان را مورد شکنجه و آزار قرار دادند. بنابراین ائمه شیعه اصل تقیه را در پیش گرفتند.

قیام های متعدد علویان در این دوره توسط خلفای عباسی سرکوب شد و زرد و خورد مرتب بین سنی ها و شیعیان کرخ بغداد صورت می گرفت و خلفا به سرکوب شیعیان اقدام می کردند. گزارشات تاریخی گویای آن است که شیعیان در این دوره نفوذ زیادی داشتند، به طوری که خلیفه ناصر خود را به آنها نزدیک کرد و به گروههای فتوت گرایش پیدا کرد و به بازسازی اماکن متبرک شیعیان پرداخت.

در دوره مستعصم بالله وی وزیر شیعی به نام ابن علقمی را بر سرکار آورد و این کار باعث تقویت موقعیت بیشتر شیعیان گردید. در زمان حمله هولاکو خواجه نصیرالدین طوسی و ابن علقمی با مغولان همکاری کردند و بغداد پایتخت عباسیان بدست مغولان فتح شد و مردم شیعه شهر حله از خطر مرگ نجات یافتند و بعد از سقوط



بغداد ابن علقمی به عنوان حاکم شهر انتخاب شد. علامه حلی از علمای شیعه امامیه در این زمان زندگی می کرد و به گسترش عقاید شیعه کمک زیادی کرد. بر اثر فعالیت عالمان و دانشمندان شیعه مذهب، تشیع در زمان سلطان محمد خدابنده (او لجایتو) مذهب رسمی اعلام گردید و نام امامان شیعه در سکه و خطبه ذکر گردید.

پس از سقوط مغولان دولت سربداران خراسان و نیز مرعشیان طبرستان و به دنبال آن ترکمانان قره قویونلو که تمایلات شیعی داشتند، بر سر کار آمدند. سرانجام در قسمت پایانی به نتیجه گیری از این مباحث پرداخته ایم. امید است تلاش مزبور راهگشا و پاسخگوی برخی سوالات محققین و مورخین باشد و این رساله توانسته باشد گوشه ای از تاریخ تشیع را روشن نماید.

**کلید واژه :**

روابط - تشیع - خلافت عباسی - اهل سنت - ایلخانان

## مقدمه

پیدایش فرقه شیعه به حادثه سقیفه بنی ساعده (شورای انتخابی ابوبکر) برمی گردد. پس از آنکه ابوبکر به خلافت رسید، عده ای از یاران پیامبر (ص) و دوستداران حضرت علی (ع) حاضر به بیعت با او نشدند و از آن تاریخ به شیعه علی (ع) معروف شدند.

پس از قتل خلیفه سوم (عثمان) و جلوس امام علی (ع) بر کرسی خلافت، وی مرکز خلافت را به کوفه منتقل کرد. کوفه بعد از این مرکز تشیع گردید. پس از شهادت حضرت علی (ع) شیعیان با فرزندش امام حسن (ع) بیعت کردند و امام حسن (ع) به دلیل شرایط موجود مصالحه با معاویه را برگزید. در قیام عاشورای سال ۶۱ ه. ق اکثر کوفیان به امام حسین (ع) نامه نوشتند، اما به دلیل خفقان شدید عبیدالله بن زیاد حاکم کوفه نتوانستند به امام حسین (ع) کمک کنند. این گروه به توابعین معروف شدند. اینان با نیروهای شام جنگیدند و اکثر آنها به شهادت رسیدند. مختار به کمک شیعیان باقی مانده و ایرانیان از قاتلان امام حسین (ع) انتقام گرفت. از این رو می توان گفت واقعه عاشورا صفوف شیعیان را متحد کرد، اما ائمه بعدی شیعه اثنی عشری فعالیت های فرهنگی را سرلوحه کار خود قرار دادند.

عباسیان ابتدا با نزدیکی و پیوند با علویان قلوب مردم را در رسیدن به قدرت بدست آوردند، ولی اندکی پس از استقرار شروع به سرکوبی علویان نمودند و در بین خلفای عباسی متوکل به شدت به آزار و شکنجه شیعیان پرداخت. در زمان ناصرالدین الله شیعیان در مناطق مختلف قلمرو اسلامی زندگی می کردند و دانشمندان زیادی از این فرقه در این زمان به سر می بردند. دانشمندان، عالمان و بزرگان شیعه دارای نفوذ زیادی شدند. این قدرت شیعیان باعث شد تا ناصر خلیفه عباسی به گروه های فتوت نزدیک شود و لباس این گروه را به تن نماید چون فرقه فتوت را می توان شاخه ای از تشیع نامید، زیرا گروه کثیری از فقیهان شیعه بودند. ناصر خلیفه عباسی در ادامه این سیاست دستور داد تا مزار امام موسی کاظم (ع) را از نو بسازند و سردابی کاشیکاری شده برای وی در آنجا سازند و حتی بعضی ها تصور کردند که خلیفه ناصر شیعه شده است.

پس از ناصر جانشینان نالایقی بر سر کار آمدند. آخرین این خلفا المستعصم بالله بود که فردی ضعیف و بی اراده بود. بین درباریان او اختلاف وجود داشت. همچنین گروه های مذهبی (سنی و شیعیان محله کرخ بغداد) به شدت با هم درگیر بودند. وزارت مستعصم را ابن علقمی که شیعه بود، در دست داشت. در این زمان مغولان به رهبری هولاکو خان نوه چنگیز خان به بغداد حمله کردند. در فتح بغداد بنا بر قول برخی منابع دو نفر با مغولان همکاری کردند، یکی ایرانی شیعی و دانشمند مشهور خواجه نصیرالدین طوسی و دیگری عرب و وزیر خلیفه ابن علقمی بود.

باکشته شدن مستعصم بالله توسط مغولان خلافت عباسیان پس از ۵۲۴ سال از بین رفت و مذهب شیعه اثنی عشری در مسیر رشد و تعالی قرار گرفت .

## مقدمه

پیدایش فرقه شیعه به حادثه سقیفه بنی ساعده (شورای انتخابی ابوبکر) برمی گردد. پس از آنکه ابوبکر به خلافت رسید، عده ای از یاران پیامبر (ص) و دوستان حضرت علی (ع) حاضر به بیعت با او نشدند و از آن تاریخ به شیعه علی (ع) معروف شدند.

پس از قتل خلیفه سوم (عثمان) و جلوس امام علی (ع) بر کرسی خلافت، وی مرکز خلافت را به کوفه منتقل کرد. کوفه بعد از این مرکز تشیع گردید. پس از شهادت حضرت علی (ع) شیعیان با فرزندش امام حسن (ع) بیعت کردند و امام حسن (ع) به دلیل شرایط موجود مصالحه با معاویه را برگزید. در قیام عاشورای سال ۶۱ ه. ق. اکثر کوفیان به امام حسین (ع) نامه نوشتند، اما به دلیل خفقان شدید عبدالله بن زیاد حاکم کوفه نتوانستند به امام حسین (ع) کمک کنند. این گروه به توابعین معروف شدند. اینان با نیروهای شام جنگیدند و اکثر آنها به شهادت رسیدند. مختار به کمک شیعیان باقی مانده و ایرانیان از قاتلان امام حسین (ع) انتقام گرفت. از این رو می توان گفت واقعه عاشورا صفوف شیعیان را متحد کرد، اما نتمه بعدی شیعه اثنی عشری فعالیت های فرهنگی را سرلوحه کار خود قرار دادند.

عاسیان ابتدا با نزدیکی و پیوند با علویان قوی مردم را در رسیدن به قدرت بدست آوردند، ولی اندکی پس از استقرار شروع به سرکوبی علویان نمودند و در بین خلفای عباسی متوکل به شدت به آزار و شکنجه شیعیان پرداخت. در زمان ناصرالدین الله شیعیان در مناطق مختلف قلمرو اسلامی زندگی می کردند و دانشمندان زیادی از این فرقه در این زمان به سر می بردند. دانشمندان، عاظم و بزرگان شیعه دارای نفوذ زیادی شدند. این قدرت شیعیان باعث شد تا ناصر خلیفه عباسی به گروه های فتوت نزدیک شود و لباس این گروه را به تن نماید چون فرقه فتوت را می توان شاخه ای از تشیع نامید، زیرا گروه کثیری از فتیان شیعه بودند. ناصر خلیفه عباسی در ادامه این سیاست دستور داد تا مزار امام موسی کاظم (ع) را از نو بسازند و سردابی کاشیکاری شده برای وی در آنجا سازند و حتی بعضی ها تصور کردند که خلیفه ناصر شیعه شده است.

پس از ناصر جانشینان نالایقی بر سر کار آمدند. آخرین این خلفا المستعصم بالله بود که فردی ضعیف و بی اراده بود بین درباریان او اختلاف وجود داشت. همچنین گروه های مذهبی (سنی و شیعیان محله کرخ بغداد) به شدت با هم درگیر بودند. وزارت مستعصم را ابن علقمی که شیعه بود، در دست داشت. در این زمان مغولان به رهبری هولاکو خان نوه چنگیز خان به بغداد حمله کردند. در فتح بغداد بنا بر قول برخی منابع دو نفر با مغولان همکاری کردند. یکی ایرانی شیعی و دانشمند مشهور خواجه نصیرالدین طوسی و دیگری عرب و وزیر خلیفه بن علقمی بود.

باکشته شدن مستعصم بالله توسط مغولان خلافت عباسیان پس از ۵۲۴ سال از بین رفت و مذهب شیعه اثنی عشری در مسیر رشد و تعالی قرار گرفت .

## معرفی و بررسی منابع

۱- جامع التواریخ: از خواجه رشید الدین فضل الله همدانی کتاب تاریخی مهم و جامعی است که پس از کتاب جوینی تألیف شده است. این کتاب دوره وسیع تری را در بر گرفته و از نثر بی پیرایه تر و در عین حال، مواد تاریخی غنی تری برخوردار است. خواجه در نوشتن کتاب عظیم جامع التواریخ یکی از بهترین آثار تاریخی را آفرید که امروز در اختیار ما قرار دارد.

عظیم ترین شاهکار تاریخی که در عصر مغول به رشته ی تألیف در آمده و بزرگترین آثار ادبیات ایران کتاب جامع التواریخ است که خصوصیات زندگی و احوال مغول و عصر تسلط ایشان می باشد. این کتاب به امر غازان خان و اولجایتو در تحت سرپرستی وزیر معروف همدانی در سال ۷۱۰ هجری قمری فراهم آمده است و شامل ۳ جلد است: ۱- جلد اول در تاریخ مغول ۲- جلد دوم در تاریخ عمومی و عالم به نام اولجایتو ۳- جلد سوم در جغرافیا که از بین رفته و یا تألیف نشده است.

رشید الدین یوسوله مطالعه اسناد مغولی و مذاکره با مطلعان تاتار، کتاب جامع التواریخ را تألیف کرد. رشید الدین با وجود گرفتاری که در کار و تدوین امور دیوانی داشت و با وجود پیری و ضعف و ناتوانی، این امر خطیر را به عهده گرفت و به دستگیری دانشمندان هر طایفه و ملتی که در سلطانه و تبریز مقیم بودند به کار تهیه جامع التواریخ متغول سدوان در سال ۷۱۰ به انجام رسانید.

سیوه انشاء خواجه در جامع التواریخ بر روی هم ساده، ولی متغیر است. در بعضی جاها اثر کلمه ها و ترکیبها و اصطلاحات مغولی در نثرش آشکار است و در برخی جاها تاثیر شیوه تاریخ نویسان قدیم دیده می شود و در باقی قسمت ها انشاء ساده قرن هشتم هویدا است. اگر از نفوذ لغات ترکی و مغولی در نثر او بگذریم نثر رشید الدین ساده، منجمله و استوار است. انشاء خواجه در مکتوبات آراسته به صنایع، سجع ها، آیات، اخبار، اشعار و مثل های عربی و فارسی است. ولی در برخی از آنها به سادگی و روانی کلام بزرگ می خوریم.

منابع و مأخذهای جامع التواریخ به طور کلی به ۴ دسته می توان تقسیم کرد:

۱- منابع نوشته مغول، که مهمترینشان تاریخ مکتوب مغول بوده که در خزانه ی حاکمان مغول نگهداری می شده است. ۲- منابع شفاهی مغول، که مهمترین آن شنیده های رشید الدین از بولادجینگ سانگ سفیر قویلای قان در دربار غازان خان بوده است ۳- منابع کتبی و شفاهی دیگر اقوام و ملتها.

رشید الدین خود تصریح دارد که چون از سوی ایلخان اولجایتو مأمور تکمیل جامع التواریخ شده، وسایل این کار در دستگاه و دربار ایلخان فراهم بوده است، به خصوص که حکما و منجمان و ارباب دانش و اصحاب تواریخ و اهل ادیان

و ملل، گروه گروه جمع شده اند و هر یک را از تواریخ و حکایات طایفه ی خویش نسخه ای بود. ۴- دیگر منابع و از آن میان کتابهای بسینین به فارسی یا عربی و دیگر زبان ها.

ویژگی مهم نثر جامع التواریخ درمقایسه با دیگر نوشته های تاریخی هم عصر آن ساده و روان و قابل فهم است و ترکیبهای غیر فارسی و دوزاز ذهن بسیار کم و ترکیبهای ساده و زیبایی فارسی نسبتاً فراوان دارد.

۲- الکامل: عزالدین ابن اثیر مورخ قرن هفتم که به سال ۶۳۰ هجری وفات یافته است، از بزرگترین مورخان است که دنباله ی کار عظیم طبری را گرفته و ضمن تلخیص کتاب او به شرح وقایع تا سال ۶۲۸ هجری پرداخته است و کتاب خود را به نام «الکامل فی تاریخ» که معروف به الکامل ابن اثیر است به سال ۶۲۸ هجری به پایان رسانده است.

ابن اثیر با دقت نظری که در بین مورخین آن روزگاران به کلی بی نظیر بوده است به تدوین و مقایسه ی روایات و ضبط و نقل اطلاعات اهتمام کرده است و در مواردی که راجع به یک واقعه دو روایت مختلف وجود داشته است که ترجیح یکی بر دیگری متکی می نموده است، به نقل هر دو روایت پرداخته است.

به هر حال حتی درباره حوادث و وقایع قرون نخستین اسلام که مآخذ عمده او طبری بوده است دقت نظر او چندان است که کتابش متضمن نکات و ملاحظات تازه به نظر می آید. این کتاب متضمن نقل وقایع و حوادث خشک و خالی نیست، نویسنده در موارد مقتضی اطلاعات مفیدی هم در باب احوال اجتماعی و عقاید و رسوم و حتی آثار ادبی به دست داده است. در بسیاری موارد مآخذ عمده روایات در دسترس نیست، اما ملاحظه ی آنچه از آن جمله باقی است نشان می دهد که این اثر در نقل و در نقد منابع خویش قریحه ای نقادی و نظر دقت به کار می بسته است و از این رو غالباً حتی در مواردی هم که مآخذ قول او معلوم نیست، به درستی می توان بر روایت او اعتماد کرد.

مؤلف کتاب سیره جلال الدین بن دقت و جامعیت کتاب او را با بیانی ادیبانه ستوده است و آن را به درستی کتاب کامل خوانده و مستحق چنین عنوانی شناخته است. از دقت نظر و جامعیت او، اینکه روایات او راجع به اختلافات بین مسلمین و بلاد چین با آنکه در هیچ یک از مآخذ قدیم موجود عربی نیست کاملاً با مآخذ چینی مطابقت دارد.

۳- مجمع الانساب: یکی از متون مهم و معتبر تاریخی است که در زمان مغول نگاشته شده است. این کتاب تاریخ عمومی ایران است و از حضرت آدم تا روزگار مغول را شامل می شود. مؤلف کتاب محمد بن علی بن محمد بن حسین بن ابی بکر شبانکاره ای از مردم شبانکاره فارس است که در حدود سال ۶۹۷ هجری در همان شهر متولد و از شعری دربار ابوسعید مغول بوده است.

وی در سال ۷۲۳ شروع به نگارش کتاب نموده و آن را در سال ۷۳۶ به اتمام رسانده و به خواجه غیاث الدین تقدیم

نموده تا به عرض سلطان برسد

ولی قبل از آنکه مجمع الانساب به نظر ابوسعید برسد ایلخان فوت کرد و در غارت

ربع رشیدی نسخه ی اصلی این کتاب از بین رفت. برای بار دوم مولف چند سال بعد (یعنی در سال ۷۴۳) به تألیف اثر خود پرداخت، منتهی این بار وقایع زمان ابوسعید مغول را نیز به کتاب افزود.

در زمان مغول چند تاریخ معتبر نوشته شده که خوشبختانه اکثر آنها به چاپ رسیده و در دسترس است، اما کتاب مجمع الانساب تا قبل از این به صورت خطی باقی مانده بود. شاید بتوان تاریخ جهانگشای جوینی را مادر تواریخ مغول دانست. در کتاب شبانکاره ای نیز اخذ و اقتباس از جهانگشا دیده می شود ولی در کتاب مزبور در باب تواریخ محلی شبانکاره و هرمز و لرستان مطالبی داراست که نه تنها در جهانگشا، بلکه در کتب دیگری هم که تاکنون چاپ شده دیده نمی شود. شاید بتوان این حدس را به حقیقت نزدیک دانست که خود مولف مدتها در این مناطق به سر می برده است. نیز بندنامه سبکتکین غزنوی به پسرش سلطان محمود در کمتر تاریخی به این تفصیل دیده میشود.

مزیت دیگر کتاب مجمع الانساب ساده نویسی و استفاده وی از لغات و ترکیبات متداول زمان خود می باشد. در یک مقایسه ی ساده بین کتب حاضر و سایر تواریخ قرن هشتم این برتری را می توان دریافت.

۴- تاریخ جهان گشای جوینی: از عظاملک جوینی، یکی از معروف ترین آثار تاریخی دوره مغول است. نویسنده سال ها در خدمت مغولان بود و در تمام این مدت، دارای مناصب عالی بوده و به گفته خودش «یه چند نوبت، دیار ماوراءالنهر و ترکستان ت سرحد چین و قصی چین که مقر سریر مملکت» چنگیز خان است سفر کرده و مطالب زیادی را از «معتبران و مقبول قولان» شنیده و در این کتاب فراهم آورده است.

وی تاریخ خود را از بیان «حوال مغول» پیش از عهد دولت چنگیز خان» آغاز کرده و تا فتح بغداد ادامه داده است. افزون بر آن، بخش مهمی از مجلد سوه این کتاب به تاریخ اسماعیلیان الموت اختصاص یافته است که مهمترین و کهن ترین متن در این بره می باشد. وی این بخش را با استفاده از کتاب های اسماعیلیان در الموت بوده و پس از فتح آن، به دست وی افتاده، تألیف کرده است.

نثر این کتاب بسیار سیرین و زیباست و هر مطلبی از آن، با آیات و احادیث و کلمات قصار حکیمانه و امثال و حکم و نثر امیخته سده است. این کتاب حدوداً تا سال ۶۵۵ هـ ق در خور دارد.

دسون مورخ فرنگی عظاملک جوینی را پیچوده به مغول و مبالغه در طرز بیان متهم کرده است و بی این قضاوت چنانکه ابل رموزا و بار تود گفته است، بی تک قضاوتی دور از انصاف و عاری از تحقیق است.

۵- سقوط بغداد و حکمروایی مغولان در عراق: مولف این اثر شخصی به نام پی نر رشیدو است که پایبان نامه ی دکتری رشته ی تاریخ ین فرد می باشد که وی نگارش آن را به سال ۱۹۷۴ م به پایان برد و با تسمیه آن به گروه تاریخ دانشگاه یوتای آمریکا و دفاع از آن به خذ درجه ی دکتری در تاریخ نایل شد. مترجم این اثر آقای دکتر اسد الله



آزاد از اساتید دانشگاه فردوسی مشهد می باشد و این اثر توسط موسسه ی چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی به سال ۱۳۶۸ انتشار یافته است .

مؤلف با عنایت به امهات تاریخ مغول ، با دیدی تازه به مسئله ی هجوم مغولان به بغداد و حکم روایی آنان بر عراق نگریسته است و نکاتی را که بیشتر آثار تاریخی نوشته ی نویسندگان مسلمان به منزله ی وقایع قطعی و واقعیات مسلم گرفته اند ، زیر سوال برده است و با ارائه ی شواهدی بر توجیه عدم صحت آن آرا و سست بودن بنیان آنها از دیدگاه علمی تاریخ نگاری پرداخته است. افزون بر آن ، به باز کاوی ژرفتر موضوعهایی نظیر شیوه اداره امور عراقی سیاست یخنان در بر بدیده ی دین و نظام آبیاری در عراق عهد مغولان بیشتر عنایت ورزیده است.

در این اثر تاریخی نیز به خدمات مغولان در زمینه های مبادله ی فرهنگی، رونق داد و ستد و مبادله های تجاری، برقراری امنیت راهها، اخذ عوارض و حقوق گمرکی کمتر، ایجاد خدمات پست و به ارمنان آوردن دستاوردهای هنری و صنعتی از خاور دور به خاور میانه شده است. نویسنده به هیچ روی منکر کشت و کار و نهب و غارت مغولان در مراحل اولیه ی فتوحات آنان نیست، اما بر این نکته پای می فترد که اگر چشم باریک بین داشته باشیم خواهیم دید، بیشترین یورشها و گشایش بلاد و پیروزی بر اهالی یک منطقه، با اندک تفاوت و تمایزی، در همه جا یکسان بوده . در آغازین گامها همواره با اینگونه ستمگری ها و تاراج و تخریب و بی ناموسی ها همراه بوده است.

۶ تشیع در عسیر تاریخ: نویسنده ی این کتاب آقای دکتر سید حسین محمد جعفری است. وی اولین دکترای خود را از دانشگاه لکنیو هندوستان گرفت و درجه ی دکترای دیگر خود را از دانشکده ی مطالعات شرق شناسی و آفریقاشناسی دانشگاه لندن اخذ کرد.

در این کتاب دکتر جعفری تلاش کرده تا سیر بسط و تکوین آرمان اسلامی را در قالب تشیع بازسازی کند و آن را ارائه دهد و دیدگاه ویژه ی رهبری، که قدرت خود را مستقیماً از شخص پیامبر (ص) می گیرد و بنابراین از قداست الهی در همه ی موارد وجدان بهره مند می گردد، تبیین می نماید. او پاسخ تشیع را به این آرمان از ریشه های موجود در میان اصحاب پیامبر (ص) تا زمان امام صادق (ع) پی می گیرد. در این زمان، عناصر اساسی تشیع ظاهر شده بودند و شکل می گرفتند، به گونه ای که سرانجام، آیین واحکام تشیع را در جنبه رچوب وحدت اسلامی بنیان نهادند. دکتر جعفری تلاش کرده که عس و موجبات رشد و تکوین اولیه تشیع را که تا کنون مورد بررسی و توجه کافی قرار نگرفته، روشن نماید. نویسندگان گذشته بررسی این موضوع را از طریق آثار عس و نحل نظیر بغدادی، ابن حزم و شهرستانی انجام داده اند و تصویری که از تشیع ارائه داده اند، این مذهب را آئینی رافضی، ارتدادی و الحادی معرفی کرده اند؛ که بر مبنای ملاحظات سیاسی و اقتصادی بوجود آمده است. در زمان امامت امام جعفر صادق (ع) تمام

عناصر اساسی تشیع ظاهر می‌شود و به صورت یک نظام همبسته متشکل می‌گردد که محتوی آن آئین و احکام (اصول و فروع) مذهب تشیع اثنی عشری را مشخص می‌سازد.

۷- دین و دولت در ایران عهد مغول: کتابی است در سه جلد تالیف خانم دکتر شیرین بیاتی که در سال ۱۳۷۰ چاپ دوم آن توسط مرکز نشر دانشگاهی منتشر شد.

در این کتاب به نقش کارساز دین در امور سیاسی که از زمان مغول مهمتر شده بود توجه نده است و کوشش گردید، تا رویارویی دو صرز فکر و دو فرهنگ ناهمگون و نابرابر غالب و مغلوب روشن شود و مشخص گردد که چگونه از یک سو، قوم غالب کوشش در تحمیل سلطه ی همه جانبه ی خود داشت و از سوی دیگر ایرانیان با ظرافت و دقت و تردستی در صدد نجات هویت تاریخی و معتقدات خویش بر آمدند.

در جلد اول این اثر چگونگی ته‌جم و غلبه ی عنصر مغول بر ایران مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد. فصلهای ده کانه ی کتاب مزبور حاوی موارد و مطالب زیر است: طرز تفکر مابعدالطبیعی مغولان و ویژگی های فرهنگی آنان، شکل گیری حکومت مغولی در مغولستان، وضع مادی و معنوی حکومت خوارزمشاهی و فقدان جنبه ی مردمی آن، پراکندگی و تضاد نیروهای بزرگ، چون حکومت اسماعیلی و دستگاه خلافت عباسی.

در پایان به نقش تشیع و عالمان آن (خواجه نصیرالدین طوسی و ابن علقمی) در انقراض دستگاه خلافت عباسی پرداخته است. همچنین نتیجه ی فقدان حکومت اسماعیلی و از بین رفتن دستگاه خلافت عباسی توسط نویسندگان مورد بررسی قرار گرفته است و مصائب ارزشمند و مفیدی که در سایر کتب دیده نمی‌شود، در این اثر وجود دارد البته ناگفته نماند که خانم دکتر سرین بیاتی کتاب دیگری نیز «مغولان و حکومت یحیی در ایران» دارد که در حقیقت خلاصه ی آن است. در این کتاب به بررسی و تحلیل دستگاه خلافت عباسی در ایران پرداخته شده است.

۸- هجوم اردوی مغول به ایران: این اثر تاریخی نوشته ی شخصی به نام عبد العلی دستغیب می‌باشد و چاپ اول آن در سال ۱۳۶۷ توسط انتشارات صبا صورت گرفته است. در ابتدا مولف در مورد تاریخ، جنگ و صلح، با استفاده از منابع اصلی و معتبر توضیحاتی داده است و سپس به چگونگی شکل گیری حکومت چنگیزی در مغولستان پرداخته است. همچنین وضع دولت خوارزمشاهی، سلطان محمد خوارزمشاه) و دستگاه خلافت عباسی (خلیفه ناصر) را مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب به نقش تسبیح و عالمان شیعی نظیر خواجه نصیر طوسی و ابن علقمی در سقوط بغداد ساره شده است. همچنین در کتبی بن سبغیان کرخ بغداد و سنی ها به رهبری ابوبکر سر مستعصم با الله یاد شده است.

نویسنده یاد آور می شود که سیلاب چندین دفعه شهر بغداد را خراب کرد و یکی از این سیل ها قبل از حمله ی مغول بود و غرق مستعصمی نام گرفت.

در پایان مولف به تشکیل حکومت ایلخانی و اردو کشی ایلخانان به سمت غرب پرداخته است و مطالب این کتاب در نوع خود بی نظیر می باشد، چون با تجزیه و تحلیل مطالب را بررسی کرده است.

بخش یک

زمینه پیدایش تشیع دوازده امامی